

دین داری و نوع نگاه به سیاست خارجی بررسی نگرش دانشجویان دانشگاه‌های تهران بر اساس برداشتی روشمند از سازهانگاری

دکتر حسین سلیمی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۰۵/۱۱
تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۱/۰۲/۲۸

چکیده

با گسترش و شیوع تدریجی نگرش سازهانگاری، که در میان علوم اجتماعی مختلف با ترجمه‌ها و عناوین دیگری مانند برساخت‌گرایی، برسازی و سازنده‌گرایی نیز شناخته می‌شود، این مکتب به عنوان مکتبی تفسیرگرا شناخته می‌شود که بیشتر به دنبال بهره‌گیری از روش‌های کیفی است. این قضاوت درستی است و جای شبهه نیست که کشف و توضیح شبکه‌های معنایی و هنجاری نیازمند بهره‌گیری از روش‌های کیفی است. در روش تحقیق کیفی در روابط بین‌الملل نیز عده‌ای تنها در پی کشف ساختارهای هنجاری در عرصه جهانی هستند و از اهمیت و تأثیرگذاری ساختارهای هنجاری در داخل جوامع غافل شده‌اند. این در حالی است که نمی‌توان نادیده گرفت که ساختارهای هنجاری در داخل جامعه نقشی انکارناپذیر و تعیین‌کننده در شکل دادن به ذهنیت‌های جاری در تصمیم‌سازی‌های بین‌المللی دارند. در این مقاله خواهیم کوشید که پس از یک بررسی نظری در مورد مفاهیم سازهانگاران و تعریف از دین و سیاست خارجی که در این مقاله به آنها تکیه شده است، بر اساس یک نظرسنجی به سطحی از ساختارهای هنجاری و معنای جاری در بخشی از جامعه ایران دست یابیم و نشان دهیم که چه رابطه‌ای میان فهم از دین و میزان اعتقاد به آن و نوع نگاه به سیاست خارجی در جامعه ایران وجود دارد. البته در این تحقیق به جامعه دانشجویان دانشگاه‌های بزرگ شهر تهران پرداخته‌ایم و نگرش‌های آنها را به عنوان نمونه‌ای از طبقه متوسط تحصیل کرده مورد مطالعه قرار داده‌ایم.

واژگان کلیدی: نگرش دانشجویان ایرانی، سازهانگاری، نگاه انقلابی به سیاست

خارجی، نگرش دینی در ایران

مقدمه

امروز بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی که به عنوان رشته‌های دانشگاهی شناخته می‌شوند، در عرصه نظری و عملی بیش از آن که یک رشته و یا یک رویکرد شناختی خاص باشند، حوزه‌ای از مطالعات بین‌رشته‌ای هستند. از این رو برای فهم مقولات مختلف در رشته‌های گوناگون لازم است تا از رشته‌ها و روش‌های متنوع، رویکردهای متفاوت و نیز مفاهیم در هم تنیده بهره بگیریم. حوزه سیاست خارجی از این قبیل عرصه‌ها است که تنها با استفاده از برخی چارچوب‌های محدود کلاسیک نمی‌توان به فهمی عمقی در مورد آنها دست یافت و برای درک ژرف‌تر شبکه‌های ذهنی و هنجاری که به شکل‌گیری سیاست خارجی می‌انجامند ناگزیر از آنیم که از روش‌های و رویکردهایی در هم آمیخته استفاده کنیم.

با طرح نگرش‌های نوین شناختی در روابط بین‌الملل این پرسش مبنایی مطرح گردیده است که چه زمینه‌های فکری و کدام شبکه‌های هنجاری موجب شکل‌گیری ذهنیت‌هایی می‌گردند که در نهایت به اتخاذ تصمیم‌ها در عرصه سیاست خارجی می‌انجامند و کدام مفاهیم ساختار شبکه‌های معنایی بین ذهنی را که زمینه و بنیاد سیاست خارجی است برمی‌سازند؟ این پرسش که رویکردهای جدیدتر نظری در روابط بین‌الملل مطرح کرده‌اند، گونه‌ای دیگر از تحقیقات را در مقولات بین‌الملل طلب می‌کند که نیازمند بهره‌گیری از رشته‌ها و مطالعات میان رشته‌ای و نیز روش‌های ترکیبی است که هم شامل شیوه‌های کیفی می‌شوند و هم متدهای کمی و گونه‌ای از رفتارشناسی را در بر می‌گیرند. در این مقاله با استفاده از چنین رویکردهایی تلاش خواهیم کرد به بررسی ذهنیت‌های جاری در بخشی از جامعه ایران در مورد دین و سیاست خارجی بپردازیم و به این پرسش پاسخ گوئیم که در بخشی از طبقه متوسط تحصیل کرده در ایران چه نوع ارتباطی میان نوع گرایش دینی و شیوه نگرش به سیاست خارجی وجود دارد؟ فرضیه‌ای که در این نوشتار در پی آزمون آن هستیم این است که نگرش‌های دینی با گرایش‌های اجتماعی بیشتر، با نوع گرایش و تحلیل سیاست خارجی ارتباط معنادارتری دارند. به عبارت دیگر نگرش اجتماعی به دین بیش از نگرش‌های فردگرا به دیانت، با نگاه انقلابی به سیاست خارجی مرتبط است. هر چند در آزمون این فرضیه از روش‌های کمی استفاده خواهیم کرد اما تلاش خواهیم کرد که از مبنای نظری سازه‌انگاری برای آن استفاده کنیم و نشان دهیم که

در این رویکرد نظری هر چند روش‌های تفسیری و استنبه‌ای کاربرد بیشتری دارند اما در یک سطح می‌توان از روش‌های نگرش‌سنجی کمی نیز سود برد و ارزش‌ها و نگرش‌های جاری در جامعه را با کمک آنها سنجید. از این رو با نگرش‌سنجی از بیش از هفتصد نمونه در دانشگاه‌های مختلف شهر تهران خواهیم کوشید تا معانی جاری در جامعه دانشجویی را که می‌تواند نمونه‌ای از معانی جاری در بخش مهمی از جامعه جوان ایران باشد، آشکار سازیم.^۱

شاخص‌های گرایش فردی به دین بر مبنای نوع نگرش افراد به خود در زمینه‌های عملی و اعتقادی تعریف گردیده است. زمینه‌های عملی چون انجام فرائض دینی مانند نماز و روزه و رعایت اخلاق فردی و زمینه‌های اعتقادی مانند به اعتقاد به وجود خداوند، نبوت و روز قیامت در نظر گرفته شده است که البته نوع تلقی افراد از خود در پرسش‌های این تحقیق مبنای اصلی کار است و مورد سنجش قرار خواهد گرفت.

مبنای نظری

به دلیل این که در این مقاله کوشیده می‌شود که به گونه‌ای خاص از مفاهیم سازه‌انگاران برای یک تحقیق تجربی و کمی استفاده شود، مروری بر بعضی مفاهیم پایه در این رهیافت نظری لازم است. سازه‌انگاری به مکتبی اطلاق می‌شود که تلاش می‌کند که با زدودن ماده‌گرایی مطلق یا ماتریالیسم محض از ساحت مطالعات اجتماعی و نیز با نگرشی کل‌گرایانه و نظام‌مند به پدیده‌های اجتماعی و سیاسی و بین‌المللی، اصالت ایده و اندیشه را در ساخت پدیده‌های اجتماعی مبنای قرار داده و نشان دهد که ماهیت پدیده‌های اجتماعی با اشیاء و موجودات مادی متفاوت است. سازه‌انگاری به طور کلی یک منظر فلسفی است که بر اساس آن تمامی دانش‌ها و نیز پدیده‌های انسانی برساخته (constructed) شده‌اند و این برساختگی نیز به گونه‌ای اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین ذهنی است. در نگرش فلسفی سازه‌انگاری این مفروضه وجود دارد که دانش و آنچه به عنوان پدیده‌های انسانی و اجتماعی وجود دارند لزوماً انعکاس واقعیاتی متعین یا متعالی نیستند بلکه مشروط و وابسته به ذهنیت‌های انسان، تجربه اجتماعی و رسوم و پیمان‌های اجتماعی می‌باشند. (Simon, 1996: 5-15) در دهه ۱۹۷۰ میلادی سازه‌انگاری به تدریج نقش خود را به عنوان یک گرایش اصلی و پایه در مطالعات جامعه‌شناسی باز کرد. در سرآغاز

۱. داده‌های کمی این تحقیق بر اساس پژوهشی که برای پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری انجام شده، بنا گردیده است.

این مکتب بیشتر با نام "جامعه‌شناسی شناخت" خوانده می‌شد و مورد بررسی قرار می‌گرفت. این اصطلاح در دهه ۱۹۲۰ توسط یک فیلسوف آلمانی با نام ماکس شلر به کار رفت. (برگر، لوکمان، ۱۳۷۵: ۱۰) و آگاهی انسانی را به عنوان گوهر اصلی وجود او با شرایط اجتماعی و تاریخی در هم آمیخت. (برگر، لوکمان، ۱۳۷۵: ۱۴) در بستر جامعه‌شناسی شناخت به موضوع اصلی دانش جامعه‌شناسی بدل شد. به طوری که پتر برگر و توماس لوکمان در تعریف جامعه‌شناسی شناخت می‌نویسند:

"جامعه‌شناسی شناخت، با تحلیل ساخت اجتماعی واقعیت سرو کار دارد." (برگر، لوکمان، ۱۳۷۵: ۱۱)

و "جامعه‌شناسی شناخت باید به بررسی هر آنچه در جامعه به عنوان "شناسایی" تلقی می‌شدند، بپردازد." (برگر، لوکمان، ۱۳۷۵: ۲۵)

برای یک بررسی سازه‌انگارانه از پدیده‌های اجتماعی، شناخت ایده‌ها و اندیشه‌ها و گرایش‌های فکری و ترجیحات مسئله‌ای مردم آن جامعه بسیار مهم است و منشاء اصلی بسیاری از پدیده‌ها و جریان‌های سیاسی و اجتماعی می‌باشد. اما هر گونه گرایش به ایده‌گرایی و یا توجه به ارزش‌ها و هنجارها به معنی سازه‌انگاری نیست. این که ایده‌های به هم پیوسته پایه و مبنای ساخت پدیده‌های انسانی و اجتماعی هستند و آنچه در عرصه واقعیت وجود دارد چیزی جز همین ایده‌های به هم پیوسته نیست. برای این گروه از اندیشمندان جامعه‌شناسی تبادل ایده و اندیشه است و در اثر همین کنش‌های بین‌ذهنی است که واقعیت اجتماعی ساخته می‌شود. این عبارت معروف سازه‌انگاران که "واقعیت چیزی است که در جامعه و به صورت اجتماعی بر ساخته می‌شود" ریشه در همین دیدگاه دارد.

به نوشته ونت:

"معناگرایان معتقدند بنیادی‌ترین واقعیت در مورد جامعه ماهیت و ساختار آگاهی اجتماعی است (یعنی آنچه من توزیع انگاره‌ها یا شناخت می‌خوانم) ... به هر حال ساختار اجتماعی به انحاء مختلف حائز اهمیت است: با قوام بخشیدن به هویت‌ها و منافع، با کمک به کنشگران برای یافتن راه حل‌های مشترک برای مشکلات، با تعریف انتظارات برای رفتارها، با تکوین تهدیدات و غیره..." (ونت، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۶)

به همین دلیل است که پدیده‌هایی مانند هنجار و هویت در اندیشه او دارای اهمیت و جایگاه محوری می‌شوند. ایده‌های به هم پیوسته در یک جامعه یا محیط اجتماعی

شکل و ساخت مجموعه‌ای از هنجارها را به خود می‌گیرند و زمانی که این ایده‌های به هم پیوسته در سطح یک گروه اجتماعی پذیرفته شده و آنها "خود" را با این نظام ایده‌ها تعریف کرده و می‌شناسند، هویت آنها شکل می‌گیرد. این هویت، سازنده تعریف آنها از منافع و امنیت و جایگاهشان هم در زندگی فردی هم در جامعه و هم در عرصه نظام بین‌الملل است. در واقع کاربرد سازه‌نگاری در این مقاله این گونه است که با کمک پیمایش‌ها و نگرش‌سنجی، ساختارهای شناختی جاری در جامعه که سازنده ذهنیت‌های مؤثر در سیاست خارجی است، مورد شناخت قرار می‌گیرند. این تحقیق نشان خواهد داد که نظام ایده‌های جاری در جامعه طبقه متوسط در مورد گرایش‌های دینی و سیاست خارجی چیست. دانستن چیرستی این نگرش‌ها در فهم نظام ایده‌های جاری در جامعه ما را یاری می‌رساند.

البته با تأکیدی که سازه‌نگاران بر شناخت واقعیت دارند نباید به سادگی آنها را مانند واقع‌گرایان کلاسیک دانست، زیرا منظر فکری آنها با واقع‌گرایی به غایت متفاوت است. در واقع‌گرایی نوعی امید به تعیین پدیده‌های انسانی و منجمد کردن آنها وجود دارد که بتواند قالبی مشخص به آن داده و بنیادهای معین و تغییر ناپذیر و مطمئنی بدان ببخشد. در حالی که در سازه‌نگاری وجود واقعیات متعین و جهان‌شمول و قطعی و نیز حقایق تغییر ناپذیری که همواره مبنای فهم همه چیز باشند مردود است. نظریه‌ها و دیدگاه‌ها تنها نوعی منظرند که در شرایط تاریخی و اجتماعی مشخص انسان به گونه‌ای خاص از درک رسانده و ایده‌هایی را پدید آورده‌اند که اگر به هم ببینند می‌توانند سازنده پدیده‌های اجتماعی باشند. این درست در مقابل نگاه داروینیستی به پدیده‌های اجتماعی و فرآیند شناخت و فهم است. زیرا در نگاه داروینیستی فهم و درک انسان نتیجه مرحله‌ای از تکامل طبیعی جسمانی او است که می‌تواند به مشاهده داده‌های واقعی به فهم واقعی و طبیعی پدیده‌ها بپردازد. در حالی که در دیدگاه سازه‌نگاران این امر به نوع ایده‌های جاری در یک شرایط اجتماعی و نحوه به هم پیوستن ایده‌ها و نوع منظری که انسان در اثر این ایده‌های در هم تنیده بدان می‌رسد بستگی دارد. حال برای شناخت این ایده‌های به هم پیوسته، می‌توان از روش‌های تفسیر و تأویل بهره گرفت اما این ما را از روش‌های تجربی و کمی بی‌نیاز نمی‌کند. همانطور که ونت متذکر شد، نقد برخی از داده‌های ریاضی و یا بیان محدودیت‌های یافته‌های ریاضیات به معنای نفی و طرد ریاضیات نمی‌باشد. اما قبل از بررسی نتایج نظرسنجی انجام شده در این تحقیق لازم است تا مروری اجمالی بر بعضی

تعاریف و مفاهیم موجود در مورد دین و سیاست خارجی به عنوان مفاهیم اصلی مورد تحقیق در این مقاله انجام دهیم.

مفاهیم و معانی متفاوت در مورد دین

در مفردات راغب اصفهانی کلمه دین هم به معنای جزاء آمده و هم به معنای اطاعت اما گاه به صورت استعاره به معنی شریعت نیز به کار برده شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵) در قاموس قرآن درباره معنای دین آمده است:

”دین به کسر اول یعنی جزا و طاعت. این دو معنی از جمله معنای دین است که در صحاح و قاموس و مفردات نقل شده و در مجمع از امام باقر(ع) روایت کرده که دین به معنی حساب است ”مالک یوم الدین“ یعنی صاحب روز حساب است. در قاموس دین را محاسب و جزا دهنده گفته است. راغب می گوید شریعت را به اعتبار طاعت و فرمانبری دین گویند و آن مانند ملت و طریقه است لیکن انقیاد و طاعت در آن ملحوظ می باشد. طبرسی در ذیل آیه ۱۹ آل عمران می گوید طاعت و انقیاد را دین گفته اند زیرا که طاعت برای جزاست. قول طبرسی در وجه تسمیه از قول راغب بهتر است. علی هذا شریعت را از آن جهت دین گفته اند که در آن طاعت و پاداش هست.“ (قرشی، ۱۳۵۲: ۳۸۰)

بر اساس همین نگرش کلاسیک به کلمه دین و معنای سنتی آن و با برداشتی فقهی فلسفی از این کلمه عبدالله جوادی آملی چنین تعبیری از معنای دین دارد:

”در اصطلاح دین خط درست و مستقیمی است که بر وفق ساختمان وجود بشر به مشیت الهی به ودیعت گذاشته و پایه گذاری شده است و از لحاظ مکتبی در شناخت دین سه بخش عمده عقاید اخلاق و احکام را در درون مایه دین می توان دید که عقاید وایدئولوژی از جهان بینی توحیدی و ایمان قلبی شخص حکایت دارد و این امر را در بستر دین به نمایش می گذارند و اخلاق مجموعه اصول و آرمانها و ارزش های عملی است که متکی و مستند به عقاید و ایدئولوژی فرد می باشد و احکام مجموعه بایدها و نبایدهای الهی است که فرد به آنها گردن می نهد.“ (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۰)

محمد حسین طباطبائی نیز دین را ترکیبی از معارف و احکام الهی می داند. (طباطبائی، ۱۳۶۲) بدون هیچ یک از این دو نمی توان دین را در وجود آدمیان متجلی دانست. در موسوعه الذهبیه دین این گونه تعریف شده است:

«الدِّينُ دَعَا مَتَهُ يَ قَوْمِ عَلٰى دَعَا مَتَيْنِ اَسَاسِيَّتَيْنِ، هُمَا الْعَقِيدَةُ وَ الشَّرِيعَةُ... وَالْعَقِيدَةُ عَمَلُ الْقَلْبِ وَ الشَّرِيعَةُ عَمَلُ الْجَوَارِحِ» (محبوب، ۱۹۹۲)

یعنی دین بر دو اساس بنا شده است یکی عقیده و دیگری شریعت ... و عقیده عمل قلبی و اعتقادی و شریعت عمل بدن و اعضاء و جوارح انسان است.

براین اساس عقیده و عمل دو رکن اساسی دین داری در این گونه تعاریف است. این مفهوم در منابع غیر شیعی و غیر اسلامی نیز به بیان دیگری آمده است. سایت اینترنتی دانشگاه پرینستون برای معرفی حیطه‌های بررسی علمی دین چنین تعریفی از دین ارائه می‌دهد:

” دین باوری قدرتمند به یک نیرو یا نیروهای فوق طبیعت است که سرنوشت انسان را کنترل می‌کند.“

در جای دیگر با تأکید بر جامعه‌شناختی دین تعریف دیگری به شرح ذیل از آن ارائه می‌دهد:

” دین نهادی است برای بیان و تأکید بر باور به یک قدرت ماورائی و مقدس.“
 پل کانلی با تأکید بر دشواری فراوان تعریف مذهب علت این دشواری را گونه‌های بسیار متفاوت مذهب و دین می‌داند زیرا در این صورت، ارائه تعریفی که بتواند همه گونه‌های دین و دین‌داری را در بر بگیرد بسیار دشوار خواهد بود. بر این اساس او تعریفی متفاوت از دین ارائه می‌دهد:

” دین ریشه در یک تلاش برای بازنمایی و نظم دهی به عقاید، احساسات، معانی و اعمالی دارد که از واکنش به تجربه مستقیم امر مقدس و امر معنوی برمی‌خیزد. لذا این تلاش در شرح و بسط و تدوین و تنظیم خود گسترش می‌یابد و به فرآیندی تبدیل می‌شود که برای خود در یک مبنای پایدار معنی خلق می‌کند که به تجربه اصلی و پاسخ‌های مداوم ناشی از آن مربوط می‌باشد.“ (Connelly, 1996: 2)

با گذر از تعبیر مختلفی که از دین در متون و اندیشه‌های مختلف شده است، به دلیل این که این تحقیق باید در جامعه ایران صورت گیرد و جامعه ایران جامعه‌ای اسلامی با گرایش شیعی محسوب می‌گردد برای به دست آوردن شاخص‌های نهایی خود برای ارزیابی دین‌داری در این جامعه با نوعی بررسی درون دینی به شرح و بررسی مفهوم دین بر اساس متون اسلامی می‌پردازیم.

واژه دین بیشتر از ۹۰ بار در قرآن به کار رفته است که در برخی موارد معنای متفاوتی از آن مدنظر بوده است که در اینجا به بعضی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم:

۱. دین به معنی اطاعت و بندگی : قل انی امرت ان اعبد الله مخلصا له الدین

(سوره زمر، آیه ۱۱)

۲. دین به معنی جزا و پاداش: قل انما توعدون لصادق و ان الدین لواقع (سوره ذاریات، آیه ۶)

۳. دین به معنی ملک و حاکمیت: و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه و يكون الدین لله (سوره بقره، آیه ۱۹۳)

۴. دین به معنی شریعت یا گونه‌ای خاص از اعتقادات: لا اکراه فی الدین (سوره بقره، آیه ۲۵۶) لکم دینکم و لی دین (سوره کافرون، آیه ۶)

۵. دین به معنی ملت: قل اننی هدانی ربی الی صراط مستقیم دینا قیما مله ابراهیم حنیفا و ما کان من المشرکین (سوره انعام، آیه ۱۶۱)

تقریباً می‌توان گفت که در بیشتر مواردی که کلمه دین در قرآن کریم به کار رفته است یکی از معانی مذکور مدنظر بوده است. البته این امر بدون در نظر گرفتن نوع خاص نگرش برخی مفسران است. مثلاً برخی یکی از معانی قرآنی دین را تسلیم می‌دانند و در آیه "ان الدین عند الله الاسلام" اسلام را به معنی تسلیم گرفته و معتقدند منظور این آیه این است که دین در نزد خداوند به معنای نوعی تسلیم است. (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۱۲۰) اما می‌توان این تعبیر را در درون همان معانی ۵ گانه گنجاند زیرا تسلیم خود یکی از مظاهر اطاعت و بندگی است و می‌تواند در طبقه دین به معنی اطاعت و بندگی قرار گیرد. لذا بر همین اساس متألهین به نام شیعی با الهام از این آیات و نیز روایاتی که در تعریف دین آمده است تعاریف مشخصی را از دین ارائه کرده‌اند. محمد حسین طباطبایی در مورد تعریف دین می‌نویسد:

"دین نظام عملی مبتنی بر اعتقادات است که مقصود از اعتقاد در این مورد تنها علم نظری نیست، زیرا علم نظری به تنهایی مستلزم عمل نیست، بلکه مقصود از اعتقاد، علم به وجوب پیروی بر طبق مقتضای علم قطعی است." (طباطبائی، ۱۳۶۲، ج ۱۵: ۸)

بر این مبنا دو دسته از شاخص‌ها برای سنجش نوع نگرش به دین برگزیده می‌شوند. شاخص‌های اعتقادی مانند اعتقاد به خدا و معاد و نبوت و شاخص‌های عملی مانند انجام فرائضی همچون نماز و روزه و حجاب.

مفاهیم و معانی موجود در مورد سیاست خارجی

اگر بخواهیم این تحقیق را بر اساس نوع نگرش غیر مکانیکی و ایده‌محور از سیاست خارجی انجام دهیم باید به تعاریفی مانند تعریف هاوول از سیاست خارجی تکیه کنیم.

او چنین تعریفی از سیاست خارجی ارائه می‌دهد:

”سیاست خارجی در وسیع‌ترین تعریف آن عبارت است از احساس و درک محوری مردم از هویت ملی و یک فهم از اهداف و مقاصد، نقش و ارزش‌های ملی. یک ملت و یک دستگاه حاکمه بدون سیاست خارجی واقع‌گرایانه و تبیین شده که بتواند شرایط نامطمئن کنونی و آینده‌نامعین آنها را توضیح دهد، ناپایدار و ناموفق خواهد بود.“ (Howell, 1997: 26)

به بیان ایگناتیف:

”هویت ملی منجمد و ثابت و تغییرناپذیر نیست. بلکه یک تمرین مداوم است برای جعل تصویر موهوم و بیان حکایتی قابل قبول از این که ”ما“ که هستیم.“ (Ignatieff, 1998: 18)

این نوع نگاه ایگناتیف گویای نگاهی متفاوت به سیاست خارجی و هویت ملی برساننده آن است. البته برای فهم هر مقوله در سیاست خارجی لازم نیست که تمامی مؤلفه‌های هویت ملی مورد بازشناسی قرار گیرد اما شناخت ارزش‌ها و هنجارهایی که در شکل‌گیری جهت‌گیری‌های معین در سیاست خارجی نقش دارد لازم است. اگر به بیان وترز برگر فرهنگ را ظهور و بروز مجموعه‌ای از ایده‌هایی بدانیم که توسط اعضاء آن جامعه بر ساخته شده مجموعه‌ای از آرزوها و ارزش‌ها و انتظارات و کردارها را در میان یک ملت به وجود آورده و کلیتی به عنوان یک رویه ملی را تأسیس کرده است، (Vertzberger, 1990: 276) آن‌گاه به سخن جانسون ”این هنجارها و ارزش‌های فرهنگی می‌توانند به عنوان ”ایدئولوژی ملی یا نظام باورها در سیاست خارجی تفسیر شوند، از این نظر که این ایده‌ها درباره این هستند که ما که هستیم و این به نوبه خود راهنمایی برای کنش سیاسی و نظرات اصلی درباره مسائل جهانی است.“ (Jonsson, 1984: 42-43) بر اساس این تعاریف است که تلاش کرده‌ایم که نوع نگرش‌های جاری در جامعه مورد بررسی خود درباره بعضی مفاهیم پایه و مؤثر در سیاست خارجی در ایران را مورد بررسی و نظرسنجی قرار دهیم.

در این برداشت ویژه از سازه‌انگاری بیشتر بر محیط داخلی تأکید خواهد شد. نظرسنجی‌ها و برداشت‌های متفاوت به این منظور انجام شده است که ساختارهای ذهنی و معنایی جاری در داخل جامعه را توضیح دهد که به گونه‌ای هنجارها و معانی موجود در عرصه سیاست خارجی را بر می‌سازند. به بیان دیگر ذهنیت‌های جاری

در درون جامعه به گونه‌ای است که شیوه‌های خاصی از تفکر و اندیشیدن را در عرصه‌های تصمیم‌سازی متجلی می‌سازد. به علاوه در این گونه از سازه‌نگاری تنها روش‌های انتزاعی تفسیری نیست که ما را در شناخت شبکه‌های معنایی جاری در جامعه یاری می‌رساند، بلکه شیوه‌هایی مانند نظرسنجی و نگرش‌سنجی هم در این زمینه مؤثر و کارساز است.

ویژگی‌های پاسخ‌گویان و شرکت‌کنندگان در نظرسنجی

در نظرسنجی انجام شده بر اساس پرسشنامه پژوهش تلاش گردید تا در حد مقدور طبقه‌بندی موجود در جامعه مورد بررسی نیز مدنظر باشد به این جهت از ۸۰۰ پرسشنامه توزیع شده به دلیل تعداد بیشتر دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها تعداد نمونه دانشجویان دختر بیشتر است. همچنین نسبت میان مقاطع تحصیلی برحسب سهم آنان در میان کل دانشجویان آن دانشگاه در نظر گرفته شده است. البته از میان ۸۰۰ پرسشنامه، ۷۶۱ پرسشنامه معتبر بوده و امکان و قابلیت تحلیل آماری داشته‌اند بنابراین مجموعه تحلیل‌های این تحقیق بر اساس اطلاعات استخراج شده از این ۷۶۱ پرسشنامه خواهد بود.

جدول توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر اساس دانشگاه‌ها به قرار ذیل است:

جدول توزیع پاسخ‌گویان بر حسب دانشگاه محل تحصیل		
نام دانشگاه	تعداد پاسخ‌گویان	درصد
شهید بهشتی	۱۰۳	۱۳/۵٪
علامه طباطبایی	۱۰۴	۱۳/۷٪
تهران	۲۰۸	۲۷/۳٪
آزاد اسلامی تهران مرکز	۱۰۰	۱۳/۱٪
آزاد اسلامی تهران شرق	۹۳	۱۲/۲٪
خواجه نصیرالدین طوسی	۱۴۴	۱۸/۹٪
آزاد اسلامی متفرقه	۲	۰/۲٪
جمع	۷۶۱	۱۰۰٪

۱. نگرش‌های موجود در مورد شاخص‌های دین‌داری

همان‌گونه در فصل‌های اول و دوم متذکر شدیم نوع اعتقادات دینی با شاخص‌ها و معیارهای متفاوتی می‌تواند سنجیده شود. اما بر اساس پرسشنامه‌ی مبنایی ما گرایش دینی به طور کلی با دو دسته شاخص سنجیده می‌شود: شاخص‌های اعتقادی و نوع پای‌بندی به احکام عملی. این دو شاخص به طور کلی به دو دسته دیگر یعنی گرایش‌های فردگرایانه و نیز گرایش‌های جمع‌گرایانه به دین تقسیم می‌گردند. قبل از این که به بررسی عمومی این شاخص‌ها بپردازیم، لازم است تا یک مرور اجمالی بر یک پرسش‌های مطرح شده و بررسی پاسخ‌های ارائه شده در قبال آنها بپردازیم. زیرا هر یک از این اطلاعات به نوبه خود حاوی داده‌های ارزشمندی است که می‌تواند مبنای تحلیل‌ها ثانوی و یا بررسی مستقل در تحقیقات دیگر نیز قرار گیرد.

بی‌گمان مهمترین شاخص دین‌داری بر اساس نگرش‌های گوناگون میزان اعتقاد به خداوند است. در این زمینه نتیجه نگرش سنجی ما نشان می‌دهد که اکثریت قوی دانشجویان به وجود خداوند باور داشته و عقاید درصد کم اما قابل تأملی از آنان در این زمینه سست و اندک است. جدول ذیل گویای میزان اعتقاد دانشجویان به وجود خداوند است:

سؤال: چقدر به وجود خداوند ایمان دارید؟						
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	بدون پاسخ	مجموع
۵۵۸	۱۴۱	۲۸	۶	۲۴	۴	۷۶۱
٪۷۳/۳	٪۱۸/۵	٪۳/۷	٪۰/۸	٪۳/۲	٪۰/۵	٪۱۰۰

بر اساس این اطلاعات میزان اعتقاد دانشجویان به خداوند بسیار قوی ارزیابی می‌شود زیرا در مجموع نزدیک ۹۲٪ درصد دانشجویان به وجود خداوند ایمان دارند که اعتقاد ۷۳٪ آنها بسیار قوی و ۵/۱۸٪ آنها قوی است. البته ۷/۳٪ تا حدودی مردد و ۴٪ از آنها بی‌اعتقاد هستند یا به عبارت بهتر خود را این‌گونه معرفی می‌کنند. این نشان می‌دهد که اصل اساسی دین‌داری یعنی باور به خدا در میان دانشجویان ایرانی مستحکم است ولی اطلاعات به دست آمده در مورد میزان توکل به خدا در زندگی روزمره اجتماعی و نیز مسائل فردی زندگی به اندازه ایمان به خدا زیاد نیست. توجه به آمار ارائه شده در جدول ذیل نشان می‌دهد که میزان توکل به خدا تا حد قابل

توجهی از میزان اعتقاد به خدا کمتر، اما به هر حال بالا و قابل اتکا است.

سؤال: در انجام امور روزمره زندگی تا چه حد به خدا توکل دارید؟

مجموع	بدون پاسخ	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۷۶۱	۳	۳۲	۲۲	۱۶۱	۲۴۶	۲۹۸
%۱۰۰	%۰/۴	%۴/۳	%۲/۹	%۲۱/۲	%۳۲/۳	%۳۹

بر اساس این نگاه مجموع کسانی که اعتقاد قوی به خدا دارند ۹۲٪ بود در حالی که میزان توکل به خدا به حدود ۷۱٪ می‌رسد که هرچند رقم بالایی است اما بیش از ۲۰٪ کمتر از صاحبان ایمان قوی به خدا می‌باشد. بیشترین این کاهش مربوط به کسانی است که گزینه متوسط را انتخاب کرده‌اند.

اگر اعتقاد به روز قیامت و برانگیختگی انسان در آن زمان را رکن دیگر اعتقادات مذهبی بدانیم می‌توانیم بگوییم که در این زمینه نیز میزان اعتقادات دانشجویان بالا است. جدول ذیل گویای این امر است:

زندگی پس از مرگ را تا چه حد قبول دارید؟	
درصد	تعداد
%۵۸	۴۴۱
%۲۱/۹	۱۶۷
%۱۱	۸۴
%۳/۳	۲۵
%۵/۴	۴۱

بر اساس این داده‌ها حدود ۸۰٪ از پاسخ‌دهندگان زندگی پس از مرگ را قبول دارند که از این میزان حدود ۵۸٪ درصد بسیار زیاد و نزدیک ۲۲٪ نیز اعتقادشان به روز قیامت و زندگی پس از مرگ زیاد است. اما در مجموع حدود ۹٪ اعتقاد چندانی به زندگی پس از مرگ ندارند و ۱۱٪ نیز عقیده متوسط یا به عبارت دقیق‌تر مرددی

در این زمینه دارند. هر چند که این درصدها نشانگر اعتقادات محکم دانشجویان به روز جزا است، اما نکات مهم و تأمل برانگیزی نیز در این زمینه وجود دارد. این که چطور میزان معتقدان به روز قیامت حدود ۱۲٪ کمتر از میزان معتقدان به خدا است؟ در میان شاخص‌های در نظر گرفته شده برای انجام احکام و دستورات دینی، نماز جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. درست است که درعالم واقع نمی‌توان به درستی دریافت که افراد آن‌گونه که ادعا می‌کنند نماز می‌خوانند یا نه اما بر اساس چارچوب نظری ما مهم این است که چه دریافتی از خود دارند و چطور می‌خواهند این دریافت را در جامعه پیرامون خود از خود ارائه دهند. پاسخ‌های ارائه شده به پرسشنامه‌های ما نشان آن است که بیشتر پاسخ‌گویان حتی اگر به نماز تقیدی داشته یا نداشته‌اند، آن را به روشنی ابراز کرده و بیان داشته‌اند. جدول ذیل نشان‌گر میزان تقید پاسخ‌گویان به نماز است:

میزان پای بندی شما به خواندن نمازهای یومیه چقدر است؟		
درصد	تعداد	
۳۰/۷٪	۲۳۴	خیلی زیاد
۲۸/۱٪	۲۱۴	زیاد
۱۶/۴٪	۱۲۵	متوسط
۸٪	۶۳	کم
۱۵٪	۱۱۴	خیلی کم
۱/۷٪	۱۳	بدون پاسخ
۱۰۰	۷۶۱	جمع

بر اساس این اطلاعات میزان تقید به نماز درصد بالا و نسبتاً قابل توجهی دارد. حدود ۵۹٪ از پاسخ‌گویان به میزان زیاد و خیلی زیاد به نماز پای بندند. از نوع پاسخ‌ها معلوم است که حدود ۱۶٪ گاهی نماز می‌خوانند و به رغم اعتقاد به آن، پای‌بندی‌شان محکم و قوی نیست. اما حدود ۲۳٪ نیز تقیدی به نماز ندارند. در مورد روزه گرفتن که از دیگر احکام واجب اسلامی است که هیچ تردیدی در

مورد وجوب آن وجود ندارد و از نشانه‌های بارز رفتار فردی دینی در همه جای عالم محسوب می‌شود نیز وضعیت به همین ترتیب است. البته میزان تقید به روزه اندکی بیشتر از نماز است.

اما پاسخ‌های آنها در مورد میزان گرایش به حجاب تا حدی متفاوت است. ما پاسخ به این سؤال را محدود به دختران دانشجو نکرده‌ایم زیرا رعایت حجاب مخصوص و محدود به دختران و زنان نیست و به نوعی مردان را نیز در بر می‌گیرد. در مورد این پرسش خاص از پرسشگران نیز خواسته شده بود که به نوعی رفتار کنند که پاسخ‌گویان بدون هیچ ملاحظه‌ای پاسخ دهند حتی به نظر می‌رسد گونه‌ای از ملاحظه‌کاری در جواب‌های آنها به چشم می‌خورد. این نکته با توجه به ارقام مندرج در جدول ذیل به خوبی روشن است:

آیا حجاب اسلامی را رعایت می‌کنید؟	
درصد	تعداد
۱۶/۲٪	۱۲۳
۲۵/۴٪	۱۹۳
۲۸/۵٪	۲۱۷
۷/۶٪	۵۸
۱۰/۱٪	۷۷
۱۲/۲٪	۹۳
۱۰۰٪	۷۶۱

اما اگر این سه ملاک را در مجموع شاخص عمل به احکام و مناسک ضروری دینی در میان دانشجویان بدانیم می‌توانیم بگوییم که بیش از نیمی از دانشجویان یعنی حدود ۵۱٪ آنان به طور میانگین به احکام التزام دارند. اما اگر بخواهیم گرایش و تقید کامل به این سه حکم ضروری دینی را تعیین کنیم باید بر اساس پایین‌ترین رقم یعنی کسانی که حجاب را رعایت می‌کنند، در نظر بگیریم زیرا اینان بخشی از همان افرادی هستند که تقید کاملی به نماز و روزه دارند. بر این اساس حدود ۴۲٪ از دانشجویان

تقید کاملی به این سه حکم ضروری دین دارند و حدود ۲۵٪ نیز گرایش متوسط از خود بروز داده‌اند. این در حالی است که متوسط شاخص اعتقادات فردی قوی به اصول دینی بیش از ۶۰٪ است..

در مجموع می‌توان گفت که در شاخص‌های گرایش‌های فردی به دین شاخص‌های اعتقادی مانند اعتقاد به خدا و نبوت و زندگی پس از مرگ بسیار بالا است. برخی شاخص‌های اخلاقی مانند حفظ آبروی دیگران و نیز وفای به عهد در همان حد بالا و قوی است. در کنار آن پای‌بندی به احکام مانند نماز و روزه و حجاب در مجموع بالا است و بیش از نیمی از دانشجویان پاسخ‌گو را در بر می‌گیرد. در مورد شاخص‌هایی مانند راستگویی و نیز پرهیز از غیبت نیز با درصدی تفاوت در همین اندازه است. اما به هر حال در این زمینه‌ها درصد قابل تأملی یعنی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد دانشجویان هستند که با معیارهای متعارف و احکام مشخص دینی همخوان نیستند. میزان فراوانی و گرایش‌های عمده دانشجویان در این زمینه در نمودار ذیل نمایش داده شده است:



این نمودار نشان می‌دهد که تجمع اصلی و گرایش اصلی پاسخ‌گویان به سوی نگرش‌های نسبتاً قوی نسبت به اعتقادات فردی دینی است. در نتیجه باید گفت که معیارهای دین‌داری در مجموع در میان جامعه مورد مطالعه ما بالا و قابل توجه است و حدود ۵۶٪ از دانشجویان پاسخ‌دهنده دارای گرایش‌های مذهبی فردی قوی هستند. در حالی که حدود ۳۹٪ گرایش متوسط و تنها حدود ۵٪ گرایشی ضعیف به دین‌داری و اعتقادات و رفتارهای فردی به دین دارند. در مقایسه با برخی از مطالعات انجام شده در عرصه اجتماعی به طور کلی می‌توان گفت که گرایش دین‌داری در میان دانشجویان حتی نسبت به بسیاری از دیگر گروه‌های اجتماعی حتی طبقات متوسط مساوی و حتی بیشتر است. جدول ذیل می‌تواند فراوانی نگرش‌های افراد، البته با شاخص‌های فردی به دین را نشان دهد:



۱. شاخص‌های نگرش جمع‌گرایانه به دین‌داری

در این بخش به دنبال بررسی این امر هستیم که آیا نوع نگاه جامعه مورد مطالعه ما به دین‌نگاهی جمع‌گرایانه است یا نه و درصد این گرایش در میان آنها چقدر است؟ به عبارت دیگر آیا عقیده و عمل دانشجویان گویای آن است که آنها مذهب را امری برای اصلاح و اداره جامعه می‌دانند و آیا نحوه عمل آنها و نوع شرکت آنها در مناسک اجتماع‌گرایانه دینی تا چه حد است؟ برای رسیدن به جواب این سؤال‌ها دو دسته شاخص اصلی را مدنظر قرار دادیم که بخشی از آنها به نوع نگاه و عقیده دانشجویان و برخی به نوع عمل و میزان شرکت آنها در مناسک اجتماعی دینی بازمی‌گردد. در اینجا بعضی از سؤالات و نتایج و پاسخ‌های برخی از پرسش‌ها را به عنوان نمونه ارائه می‌کنیم. جدول ذیل بیانگر دیدگاه دانشجویان در مورد کارآمدی احکام الهی در جامعه است:

شما تا چه حد احکام الهی را در اداره امور جامعه کارآمد می‌دانید؟		
درصد	تعداد	
۲۳/۸٪	۱۷۶	خیلی زیاد
۲۸/۴٪	۲۱۶	زیاد
۲۶/۴٪	۲۰۱	متوسط
۱۱/۷٪	۸۹	کم
۱۰/۱٪	۷۷	خیلی کم
۰/۳٪	۲	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

نکته جالب این است که تقریباً به همان اندازه‌ای که به احکام فردی و ضروریات دینی گرایش نشان داده شده، به این عقیده که احکام الهی در اداره امور جامعه کارآمدند گرایش وجود دارد. این ارقام گویای آن است که بیش از ۵۱٪ احکام الهی را در حد زیاد و خیلی زیاد در اداره امور جامعه کارآمد می‌دانند ولی نزدیک ۲۳٪ این کارایی را در حد کم و خیلی کم دانسته‌اند. همین مفهوم در سؤال دیگری نیز مورد بررسی قرار گرفته است و تلاش

شده که با پرسشی صریح‌تر بررسی شود که آیا اصولاً از نظر این افراد امکان اداره جامعه بدون احکام دینی وجود دارد یا خیر؟ البته میان این پرسش و سؤال قبلی تفاوتی وجود دارد. زیرا ممکن است فردی به کارآمدی احکام الهی معتقد باشد اما نوع نگاه او در این زمینه که بدون احکام دینی نمی‌توان جامعه را اداره کرد متفاوت باشد. این تفاوت تا حدی در نوع پاسخ‌های ارائه شده نیز وجود دارد که در جدول ذیل نمایش داده می‌شود:

چقدر به صحت این جمله معتقدید:

دین ابری است جمعی و اجتماعی و جامعه را بدون احکام صریح دینی نمی‌توان به درستی اداره کرد.

درصد	تعداد	
۱۶/۸٪	۱۲۸	خیلی زیاد
۲۶/۴٪	۲۰۱	زیاد
۲۶/۷٪	۲۰۳	متوسط
۱۲/۴٪	۹۳	کم
۱۶/۲٪	۱۲۳	خیلی کم
۱/۷٪	۱۳	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

در واقع حدود ۴۳٪ با این نکته که بدون احکام دینی نمی‌توان جامعه را به درستی اداره کرد به صورت زیاد و خیلی زیاد موافقت و بیش از ۲۸٪ نیز با این دیدگاه مخالفند که در هر دو زمینه حدود ۷ تا ۸ درصد تفاوت با پرسش قبلی وجود دارد. این نشان می‌دهد که در هر حال حدود نیمی از دانشجویان مورد پرسش به جمعی و اجتماعی بودن خصلت و دین اعتقاد قوی داشته ولی حدود یک سوم نیز با این معنی مخالفند و مابقی نیز در این مورد تردید دارند. این نشان می‌دهد در این نکته معین تفاوتی اساسی در دو بخش مجزای جامعه وجود دارد. این وضعیت در نوع نگاه نسبت به سیاست خارجی وجود دارد. این امر در جدول ذیل به روشنی معین است:

به نظر شما آیا می‌توان بدون کمک اصول دینی سیاست خارجی را به صورت موفقیت‌آمیزی اداره کرد؟

درصد	تعداد	
۲۲/۷٪	۱۷۳	خیلی زیاد
۱۷/۶٪	۱۳۴	زیاد
۲۷/۱٪	۲۰۶	متوسط
۱۷/۲٪	۱۳۱	کم
۱۳/۳٪	۱۰۱	خیلی کم
۲/۱٪	۱۶	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

جالب توجه است که اداره سیاست خارجی بدون کمک احکام دینی از نظر دانشجویان بیش از اداره اقتصاد امکان پذیر است. بدین معنی که از نظر دانشجویان حوزه سیاست خارجی می تواند حوزه ای تخصصی تر نسبت به حوزه اقتصاد محسوب شود. اما مخالفان این گزاره به همان اندازه مخالفان گزاره مشابه در حوزه اقتصاد یعنی بیش از ۳۰٪ هستند. با جمع بندی و معدل گیری درصدهای مندرج در این بخش می توان با اندکی مسامحه بیان کرد که بیشترین فراوانی و گرایش اصلی دانشجویان به نگاه جمع گرایانه به مذهب بیشتر به سوی نگرش های بینابینی تمایل یافته است. به عبارت دیگر بیشتر دانشجویان با انتخاب گزینه متوسط تمایل به موضع گیری صریح در این زمینه نداشته اند. این امر در نمودار ذیل نمایش داده شده است:



بر اساس جمع بندی پاسخ ها حدود ۱۲٪ از پرسش شوندگان ما گرایش قوی به سوی مذهب اجتماعی داشته اند در حالی که حدود ۶۱٪ گرایشی متوسط و ۲۷٪ نیز گرایش ضعیف به این امر داشته اند. این اطلاعات مبین آن است که نوع نگاه و عمل و به تعبیر ما گرایش این گروه مورد مطالعه به برداشت و کنش اجتماع گرایانه از مذهب چندان بالا نیست. البته مخالفان این نوع نگاه نیز کمتر از یک سوم جامعه مورد مطالعه هستند و بیشتر افراد در این زمینه نگاهی بینابینی و متعادل داشته و تمایل و گرایش اصلی به نوع نگاه متعادل در این زمینه است. نمودار ذیل بیشتر می تواند فراوانی نوع نگرش جمع گرا به مذهب را به ما نشان دهد:



اما در میان دانشگاه‌های مختلف گرایش‌های دین‌دارانه دانشجویان تا حد زیادی نزدیک به هم است و تفاوت‌های موجود چندان معنی‌دار و فاحش نیست.

بررسی نگرش‌ها در مورد سیاست خارجی

هدف ما در این بخش از مقاله این است که دریابیم که پاسخ‌دهندگان ما تا چه حد با نگاه انقلابی به جهان نگاه می‌کنند؟ و آیا از نظر آنها باید بنیاد روابط بین‌الملل را در شرایط کنونی تغییر داد؟ و آیا این تغییر با معیارهای متعارف امکان‌پذیر است و یا اقدامات قهرآمیز بین‌المللی می‌طلبد؟ بر اساس شاخص‌های مورد نظر ما هر چه نگاه پاسخ‌گویان به ماهیت روابط جهانی بدبینانه‌تر بوده و رفتارهای پیشنهادی آنها بیشتر مبتنی بر عملیات قهرآمیز باشد، گرایش آنها انقلابی‌تر است. ولی هر چه نگرش آنها کمتر مبتنی بر تقابل بوده و برداشت آنها از ماهیت روابط جهانی خوش‌بینانه‌تر باشد، نوع نگاه آنها کمتر انقلابی خواهد بود. بیشتر سؤالات تنظیم شده در این قسمت بر اساس این ملاک اصلی است. بر این اساس ابتدا به بررسی یکایک پاسخ‌ها ارائه شده از سوی دانشجویان به پرسش‌های طرح شده در مورد این متغیر می‌پردازیم. نخستین شاخص ما برای نگرش انقلابی یا غیر انقلابی این است که تا چه حد نظام بین‌الملل ظالمانه دانسته می‌شود. بدیهی است که هر چه بیشتر روابط بین‌الملل امروزی را ظالمانه بدانند نگرش انقلابی آنها بیشتر خواهد بود:

آیا نظام بین‌الملل امروزی ظالمانه است؟		
درصد	تعداد	
۲۰/۸٪	۱۵۸	خیلی زیاد
۲۶/۵٪	۲۰۲	زیاد
۳۷/۵٪	۲۸۵	متوسط
۹/۵٪	۷۲	کم
۴/۴٪	۳۲	خیلی کم
۱/۶٪	۱۲	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

این آمار نشان می‌دهد که بیش از ۴۷٪ از پاسخ‌گویان به اندازه زیاد و خیلی

زیاد نظام بین‌الملل را ظالمانه می‌دانند. بیش از ۳۷٪ نیز به طور متوسط چنین عقیده‌ای دارند و تنها حدود ۱۴٪ کسانی هستند که نظام بین‌الملل از دید آنها ظالمانه نیست. منظور از گرایش متوسط به این امر این است که این گروه از پاسخ‌گویان نظام بین‌الملل را تا حدی ظالمانه می‌دانند، نه زیاد و نه کم. از این رو همان‌طور که مطالعات انجام شده دیگر در مورد بدنه اصلی جامعه ایران که در فصل‌های قبلی به آنها اشاره شد، نشان می‌دهد، برداشت عمومی جاری در جامعه دانشجویی به عنوان نمونه‌ای از طبقه متوسط تحصیل‌کرده در مورد ماهیت نظام بین‌المللی منفی است و بیشتر پاسخ‌گویان بنیاد آن را بر ظلم و ستم می‌دانند. اما آیا این گرایش فکری توصیه به یک گرایش عملی را نیز در پی دارد؟ و آیا این نگاه انتقادی به نظام بین‌الملل موجب آن است که رفتار تعارض‌آمیز توسط جامعه مورد مطالعه ما توصیه شود؟ پاسخ به دست آمده از نگرش‌سنجی ما به این سؤال کاملاً مثبت نیست. زیرا زمانی که از دانشجویان در مورد ضرورت مبارزه با قدرت‌های بزرگ پرسیده‌ایم، پاسخی متفاوت داده‌اند. جدول ذیل گویای نوع نگاه آنها در این زمینه است:

به نظر شما مبارزه با قدرت‌های جهانی تا چه حد باید سرلوحه سیاست خارجی ایران باشد؟

درصد	تعداد	
۱۲/۷٪	۹۵	خیلی زیاد
۱۵/۴٪	۱۱۷	زیاد
۲۶/۴٪	۲۰۲	متوسط
۱۸/۴٪	۱۴۰	کم
۲۴٪	۱۸۳	خیلی کم
۳/۳٪	۲۵	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

از میان این پاسخ‌گویان حدود ۲۸٪ به اندازه زیاد و خیلی زیاد معتقد به مبارزه با قدرت‌های بزرگ هستند، در حالی که بیش از ۴۲٪ اعتقادی به این امر ندارند و به آن توصیه نمی‌کنند و حدود ۲۶٪ نیز موضعی بنیابینی در این زمینه گرفته‌اند. البته در برخی از تحلیل‌های ثانویه در مورد انتخاب گزینه متوسط ممکن است به گونه‌ای شانه خالی کردن از پاسخ دقیق و قاطع تلقی شود اما به هر حال آنها نخواستند تا

هیچ‌یک از دو گرایش قوی و ضعیف را برگزینند.

اما زمانی که نظام بین‌الملل توسط بخش مهمی از پاسخ‌گویان ظالمانه دانسته می‌شود این ظلم دارای دو طرف است. گروهی که ظلم می‌کنند و گروهی که به آنها ظلم می‌شود. پرسش بعدی ما در این زمینه است که در عرصه سیاست خارجی چقدر باید از این نهضت‌ها حمایت کرد؟ آیا اصولاً این امر باید در دستور کار سیاست خارجی کشور ما قرار بگیرد یا خیر؟ بررسی ما نشان می‌دهد که میزان گرایش‌های موجود در این زمینه تا حدی با پاسخ‌های ارائه شده به پرسش قبلی متفاوت است. جدول ذیل نوع نگاه پرسش‌شوندگان ما را به این امر نشان می‌دهد:

به نظر شما در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حمایت از نهضت‌های آزادیبخش چقدر باید در دستور کار دولت قرار گیرد؟

درصد	تعداد	
۱۲/۷٪	۹۷	خیلی زیاد
۲۴/۶٪	۱۸۷	زیاد
۲۸/۵٪	۲۱۷	متوسط
۱۶/۵٪	۹۵	کم
۱۸/۳٪	۱۳۹	خیلی کم
۳/۴٪	۲۶	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

این اطلاعات گویای آن است که بیش از ۳۷٪ از پاسخ‌گویان که بیشتر آنها از همان ۴۷ درصدی هستند که نظام بین‌الملل را ظالمانه می‌دانستند، معتقدند که حمایت از نهضت‌های آزادیبخش باید در دستور کار دولت قرار گیرد. در حالی که حدود ۲۹٪ با این توصیه مخالفند و بیش از ۲۸٪ نیز موضعی بینابینی اتخاذ کرده‌اند. بنابراین در میان بیشتر کسانی که روابط بین‌الملل کنونی را ظالمانه می‌دانند، این تکلیف نیز وجود دارد که باید از نهضت‌های آزادیبخش یا همان مظلومان این نظام ظالمانه حمایت کرد. گرچه حدود یک سوم از پاسخ‌گویان اعتقادی به این گزاره ندارند. اما در این زمینه باید دانست که این حمایت مخصوصاً اگر حمایت از نهضت‌های اسلامی باشد تا چه حد برخاسته از عقاید دینی است. به عبارت دیگر باید در درون نظام فکری پاسخ‌گویان به این جواب دست یابیم که از حمایت را تا چه حد ناشی از عقیده دینی می‌دانند؟ جدول ذیل نگاه دانشجویان را در این زمینه نمایش می‌دهد:

به نظر شما تا چه حد حمایت از جنبش‌های اسلامی مانند جنبش‌های فلسطین و لبنان ناشی از اعتقادات دینی است؟

درصد	تعداد	
۱۶/۷٪	۱۲۷	خیلی زیاد
۲۳٪	۱۷۵	زیاد
۲۷/۵٪	۱۵۶	متوسط
۱۳/۳٪	۱۰۱	کم
۳۳/۳٪	۱۷۷	خیلی کم
۳/۳٪	۲۵	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

درصد پاسخ‌های مثبت ارائه شده به این سؤال تا حد زیادی شبیه و هماهنگ به پاسخ‌های ارائه شده به سؤالی است که در مورد ظالمانه دانستن نظام بین‌الملل بود. حدود ۴۰٪ از پاسخ‌دهندگان ضرورت این حمایت را ناشی از اعتقادات مذهبی دانسته و البته بیش از ۳۶٪ نیز با این نظر مخالفند.

اما چگونه می‌توان به منافع ملی دست یافت؟ آیا این امر با ابزارهای قهرآمیز امکان‌پذیرتر است یا با روش‌های مسالمت‌آمیز؟ به نظر می‌رسد که پاسخ‌دهندگان ما در عین حال که به اهمیت تقویت توانمندی‌های نظامی معتقدند، گرایش فراوانی به روش‌های مسالمت‌آمیز دارند. جدول ذیل نشان می‌دهد که اکثریت دانشجویان معتقدند که افزایش توانمندی‌های نظامی موجب تحقق منافع ملی می‌شود:

به نظر شما تقویت توانمندی‌های نظامی و دستیابی به سلاح‌های پیشرفته یا چقدر موجب تحقق منافع ملی می‌شود؟

درصد	تعداد	
۲۶/۹٪	۲۰۵	خیلی زیاد
۲۸/۵٪	۲۱۷	زیاد
۲۵/۴٪	۱۹۴	متوسط
۹/۵٪	۷۳	کم
۶/۴٪	۴۹	خیلی کم
۳/۴٪	۲۶	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

این بررسی نشان می‌دهد که حدود ۵۵٪ از پرسش‌شوندگان با این گزاره موافقت و تنها حدود ۱۶٪ به اهمیت و تأثیر مثبت تقویت نظامی و دستیابی به سلاح‌های

پیشرفته برای تحقق منافع ملی اعتقادی ندارند. با این حال هر چند که در نگاهی که نظام بین‌الملل را ظالمانه می‌داند، این نظر می‌تواند به نوعی مقوم نگرش انقلابی باشد. این به معنای آن است که نقد نظام بین‌الملل و حتی ضرورت حمایت از نهضت‌های آزادیبخش به معنای اعتقاد به کنار گذاردن دیپلماسی و مذاکره و روی آوردن به ابزارهای قهرآمیز در پیگیری منافع و اهداف بین‌المللی نیست. این معنادر پرسش صریح‌تری دیگری دوباره مورد سؤال قرار گرفته که نتایج آن با اندک تغییری مشابه نتایج حاصل از پرسش قبلی است. در این پرسش مستقیماً یکی از اهداف این تحقیق مورد سؤال واقع شده است که به هر حال در دنیای امروز در عرصه عمل کدام روش بیشتر منظور نظر آنها است و آیا اصولاً می‌توان با روش‌های خصمانه و مبتنی بر تقابل و تضاد به منافع ملی که از دید پاسخ‌گویان مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی بود رسید یا گفتگو و همکاری کارآمدتر است؟ این امر در جدول ذیل نمایش داده شده است:

نا چه حد با این گزاره موافقت می‌کنید؟		
گفتگو و همکاری بیشتر از روش‌های بحران‌زا (تخاصمی) می‌تواند به تأمین منافع ملی منجر شود؟		
درصد	تعداد	
۳۱/۸٪	۴۴۴	خیلی زیاد
۳۱/۳٪	۴۳۸	زیاد
۲۰/۶٪	۱۵۷	متوسط
۵/۵٪	۴۴	کم
۵٪	۶۸	خیلی کم
۵/۸٪	۴۴	بدون پاسخ
۱۰۰٪	۷۶۱	جمع

بر این اساس حدود ۶۳٪ گفتگو و همکاری را بیشتر از روش‌های تخاصمی موجب تأمین منافع ملی می‌دانند و حدود ۱۰٪ با این موضوع مخالفند و نزدیک ۶٪ نیز حاضر به پاسخ‌گویی در این زمینه نشده‌اند. این امر گرایش آشکار جامعه مورد مطالعه ما را به روش‌های مسالمت‌جو که در تعاریف کلاسیک، ضد گرایش انقلابی تلقی می‌شود می‌رساند. البته این که مبارزه با نظام سلطه تا چه میزان باید در اولویت‌های مسئولان کشور باشد، باز نوعی قطب‌بندی را در میان پاسخ‌گویان نشان می‌دهد. اما در تحلیل و فهم پاسخ‌های جمع‌بندی شده در این زمینه باید در نظر داشت که حتی آن گروه از دانشجویانی که معتقدند که تغییر نظام سلطه

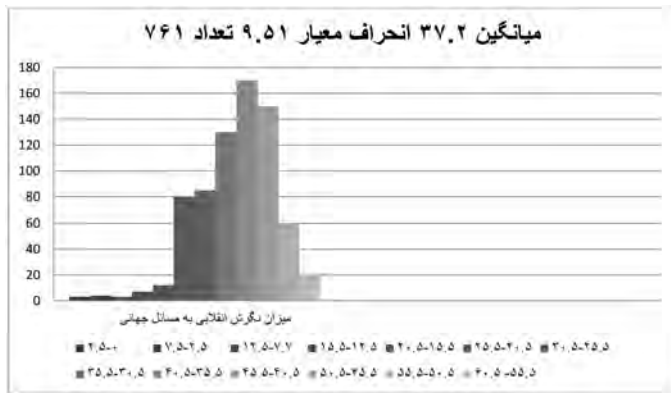
و مبارزه با آن را از اولویت‌های مسئولان کشور و از امور ضروری می‌دانند نیز بر اساس جمع‌بندی جدول قبلی، اکثراً اعتقادی به کاربرد روش‌های خصمانه ندارند. یعنی اعتقاد به لزوم مبارزه با نظام سلطه حتماً با این نگرش که باید برای رسیدن به این هدف از روش‌های خشونت‌آمیز و خصمانه استفاده کرد نیست. این امر خود را در نوع نگاه مخاطبان که در جدول ذیل نشان داده شده متجلی ساخته است:

اما با این جمله موافقت؟ سازه با نظام سلطه و نظر آید از اولویت‌های مسئولان کشور باشد؟

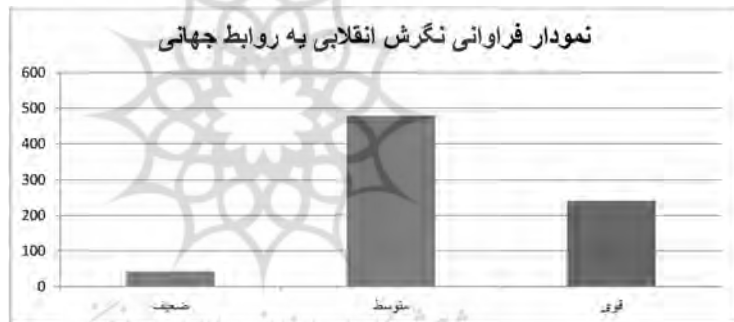
تعداد	درصد	
۱۰۱۱	۱۳.۳٪	خیلی زیاد
۱۹۲	۲۵.۴٪	زیاد
۲۰۲	۲۶.۸٪	متوسط
۱۰۸	۱۴.۴٪	کم
۱۱۷	۱۵.۴٪	خیلی کم
۳۹	۵.۱٪	بدون پاسخ
۷۶۱	۱۰۰٪	جمع

نکته این است که حدود ۳۸٪ از این پاسخ‌گویان به میزان زیاد و خیلی زیاد معتقدند باید با نظام سلطه مبارزه کرد در حالی که حدود ۲۹٪ درصد با این امر مخالفند و حدود ۵٪ نیز حاضر به پاسخ‌گویی نشده‌اند. البته نمی‌توان گفت که این مبارزه باید حتماً خصمانه باشد، از این نظر تعارضی میان این نگاه و گرایش به استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز در سیاست خارجی وجود ندارد. اما به هر حال این نکته می‌تواند یکی از شاخصهای اصلی انقلابی‌گری باشد.

این امر در مجموع نشان می‌دهد که نوع نگاه انتقادی به سیاست بین‌الملل با نگرش مسالمت‌آمیز و رویکرد مسالمت‌جوی آنان همساز شده و کنار هم قرار گرفته و یک نظام معنایی مشخص به وجود آورده است. جمع‌بندی صورت گرفته از مجموع پاسخ‌های دریافت شده چه پاسخ‌هایی که نتایج آنها در این مقاله ذکر شده و چه جداولی که مجال ارائه آنها در این مقاله نبود به ما نشان می‌دهد که نگاه انقلابی به مقوله سیاست خارجی در میان دانشجویان ایرانی در حد متوسط و زیاد است و تعداد دانشجویانی که نگاه انقلابی ضعیفی به این مقوله دارند اندک است.



با استفاده از جمع‌بندی سؤال‌ها و شاخص‌های ارائه شده می‌توان به طور کلی نوع گرایش به انقلابی‌گری و یا مسالمت‌جویی پاسخ‌گویان را مشخص کرد. محاسبه و جمع‌بندی این ارقام در نمودار ذیل منعکس است:



این محاسبه نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌دهندگان گرایش انقلابی متوسطی داشته‌اند، حدود یک سوم از آنان گرایش انقلابی قوی دارند. وجود وضعیت متوسط در این زمینه به دلیل آن است که برخی از دیدگاه‌های پاسخ‌گویان انقلابی است اما در زمینه توصیه‌های عملی در مورد سیاست خارجی به گونه‌ای اکثریت طرفدار رفتار مسالمت‌جو می‌باشند. به نوعی حد متوسط پدید آمده محصول وجود برخی گرایش‌های نظری انتقادی و انقلابی نسبت به روابط جاری بین‌المللی و در عین حال گرایش‌های مسالمت‌جوی عملی برای کنش در عرصه سیاست خارجی و رسیدن به منافع ملی است. اما به هر حال اطلاعات به‌دست آمده نشان می‌دهد که حدود ۳۱٪ از دانشجویان گرایش‌های انقلابی قوی و تنها حدود ۵٪ گرایش انقلابی ضعیف داشته و حدود ۶۳٪ نیز گرایشی متوسط از خود نشان داده‌اند. البته در عرصه عمل و توصیه

به رفتار مسالمت‌جو یا انقلابی درصدها تا حدودی متفاوت است و بیش از ۵۵٪ از پرسش‌شوندگان در مجموع به رفتارهای مسالمت‌آمیز در عرصه سیاست خارجی توصیه کرده و گرایش قوی دارند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق نشان داد که نگرش‌های اعتقادی و گرایش‌های اجتماعی به مفاهیم دین‌دارانه در میان دانشجویان ایرانی در مجموع قوی و گسترده است. البته نوع گرایش اجتماع‌گرا به این مقوله کمتر از اعتقادات فردی است اما با این حال بخش عمده‌ای از جامعه دانشجویی به آن گرایش دارند. همین عده گرایش بیشتر و عمده‌تری به نگاه انقلابی به سیاست خارجی دارند. یعنی کسانی که با نگاه اجتماع‌گرا به مفاهیم و احکام دینی می‌نگرند نسبت به کسانی که تنها اعتقادات و التزامات فردی به عقاید و احکام دارند، گرایش‌ها و نظرات انقلابی‌تری به مباحث سیاست خارجی دارند. البته در مجموع ضریب همبستگی ۰.۳۱۳ میان اعتقادات فردی به مذهب و نگاه انقلابی به سیاست خارجی و ضریب همبستگی ۰.۳۹۳ میان نگاه اجتماع‌گرا به مذهب و نگاه انقلابی به سیاست خارجی گویای آن است که میان این نگرش‌ها پیوستگی قدرتمندی نیست.

نتیجه کلی این بررسی که از نمونه‌ای از طبقه متوسط تحصیل کرده انجام شد، نشان داد که در جامعه دانشجویان ایران که نمونه‌ای بارز از بخش مهم و تأثیرگذاری از جامعه ایران است، گرایش‌های مذهبی بسیار قوی و حایز اهمیت است. به عکس تأکیدات و گاه تبلیغاتی که در مورد دین‌گریزی در جامعه دانشجویی و طبقه متوسط تحصیل کرده در ایران می‌شود این نظرسنجی نشان می‌دهد که گرایش‌های دینی به طور جدی در میان دانشجویان ایرانی وجود دارد. هر چند در برخی از شاخص‌های رفتاری دینی گروه قابل توجهی که البته اکثریت نیستند دیده می‌شوند که تمایلات کمتری در آنها دیده می‌شود، اما در مجموع شاخص عقاید دینی و نیز التزام به احکام دینی در میان آنها قوی است. این نشان می‌دهد که در عرصه سیاست خارجی فاصله گرفتن از مفاهیم و عقاید دینی در جامعه ایران امکان‌پذیر نیست زیرا هنگامی که هنجارهای جاری در بدنه جامعه گرایش‌های دینی دارند، گروه تصمیم‌گیران نمی‌تواند مسیری خلاف آن اتخاذ کند. البته نتایج شاخص‌های برداشت‌های اجتماع‌گرایانه از دین نشان داد که در این بعد به خصوص در عرصه‌هایی که بهره‌گیری مستقیم سیاسی از نمادها و رفتارهای دینی می‌شود موجب فاصله گرفتن نسل جوان تحصیل کرده از آن نمادها و رفتارها می‌شود.

در عرصه سیاست خارجی نیز این بررسی نشان می‌دهد که بسیاری از هنجارهایی که در گفتارها و رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمایان شده و حلقه وصل و عناصر تداوم سیاست خارجی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است، همچنان در بدنه جامعه جوان تحصیل کرده جاری است. هنجارهایی مانند ظالمانه دانستن نظام بین‌الملل، لزوم مقابله با قدرت‌های بزرگ و نیز حمایت از مسلمانان و نهضت‌های آزادیبخش در نزد اکثریت مهمی از پاسخ‌گویان به عنوان ارزش‌های اصلی پذیرفته شده‌اند. البته این نگرش منتقدانه و نیز انقلابی همراه با هواداری از خشونت‌گرایی و اقدامات تند و قهرآمیز نیست. زیرا پاسخ به پرسش‌های دیگر نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌گویان به اهمیت و کاربرد مثبت تعاملات مثبت در عرصه بین‌المللی متمایل هستند.

جمع‌بندی نتایج دو بخش این تحقیق گویای آن است که میان نگرش مذهبی و نگاه منتقد به فضای عمومی بین‌المللی رابطه‌ای معنادار وجود دارد اما این نگاه متضمن اعتقاد به عملکردهای قهرآمیز در عرصه بین‌المللی نیست. به عبارت دیگر وجود این گرایش در بطن جامعه موجب می‌شود که به طور طبیعی نگاه منتقد به نظام بین‌المللی در عرصه‌های تصمیم‌گیری شکل گیرد و نیز ساختار هنجاری جاری در جامعه راه را بر پیش‌برد اقدامات کاملاً خصمانه در عرصه‌های جهانی هموار نماید.

فهرست منابع:

الف) فارسی

۱. پیتر برگر، هانس لوکمان. (۱۳۷۵). ساخت اجتماعی واقعیت. تهران: علمی فرهنگی.
۲. جوادی آملی، ع. (۱۳۸۱). نسبت دین و دنیا. قم: اسراء.
۳. راغب اصفهانی. (۱۳۷۵). المفردات فی عربی القرآن. بیروت: افیومی. قرآن کریم.
۴. طباطبائی، م. (۱۳۶۲). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۵. قرشی، س. (۱۳۵۲). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۶. محجوب، ف. (۱۹۹۲). الموسوعه الذهبیه لالعلوم الاسلامیه. قاهره: دارالغد.
۷. ونت، ا. (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل. ترجمه ح. مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

ب) انگلیسی

8. Connelly, J. (1996). **Definition of Religion and Related Terms**. Harvard: Harvard University.
9. Howell, D. (1997, January). **Britannia's Business**. Prospects.
10. Ignatieff, M. (1998, January). **Identity Parades**. Prpspects.

11. Jonsson, F. (1984). **Super Power: Comparing American and Soviet Foreign Policy**. London: Frances Pinter.
12. Simon, H. (1996). **The Science of the Artificial**. MIT: MIT University.
13. Vertzberger, Y. (1990). **The World in Their Minds: Information Processing, Cognition, and Perception in Foreign Policy Decision-making**. Stanford: Stanford University Press.

